

Corona & Future Life-Worlds

Mehdi Motaharnia^{*}

Assistant Professor of Political sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran,
Iran (Corresponding Author) dmmotaharnia@gmail.com

Abstract

Objective: The main purpose of the research is to explore the post-corona world to examine the effects of the corona crisis on the future, with an emphasis on change in the human ecosystem, in the transition from the aquatic trinity.

Method: It is based on post-positivist epistemology, which looks to the future with a qualitative approach and a forward-looking methodology based on the hermeneutic method.

Findings: Changes in human life in the Covid 19 pandemic will be such that the history of human life can be divided into pre-corona and post-corona eras. In the post-Corona era, the world of the future, the intense desire for individualization and the transcendence of individual power, the age of unicorn identities of the foundation of knowledge, the attempt to achieve balance in all walks of life, the splitting of time, the quest to enter the artificial spirit, the intensity will take. The acceleration of change, with the entry of man into the cascade of great changes, will bring about a change in the biological system of the various worlds of human thought in the religious, political, economic, etc. layers.

Conclusion: With the crisis caused by the outbreak of corona as a pandemic, people will fall into the "waterfall of change". In the future world of post-Corona, man will come out of the prison of the world created by others and seek a more humanized world. In the home of Pishravi, life will take on a new form and content in the "transformative moments and changeable behaviors and guerrilla actions" and in the micro-macro-world. The "Lord of the Moments" will replace the "Lord of the Rings".

Key word: Post Corona, Futures Thinking, Futures Studies, Foresight, Life World, Corona Crisis, Post-Corona Bios.

Semiannual Journal of Iran Futures Studies, Research Article, Vol.6, NO.1, Spring & Summer 2021, 291-317

DOI: 10.30479/jfs.2021.13730.1207

Received on 11 July, 2020 Accepted on 5 July, 2021

Copyright© 2021, Motaharnia

Publisher: Imam Khomeini International University 

کرونا و زیست جهان‌های آینده

مهدی مطهرنیا⁻

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dmmotaharnia@gmail.com

چکیده

هدف: کاوش درجهان پساکرونا است تا اثرات بحران کرونا را بر آینده با تأکید بر تغییر در زیست جهان‌های بشری مورد پروا قرار دهد.

روش: بر مبنای معرفت‌شناسی پساپوزیتویستی است که با رویکرد کیفی و روش‌شناسی آینده‌نگرانه مبتنی بر روش هرمنوتیک، به آینده‌نگریسته است.

یافته‌ها: تغییرات در زیست جهان بشر پس از پاندمی کووید ۱۹ به اندازه‌ای خواهد بود که می‌توان تاریخ حیات آدمی را به دوران پیش از کرونا و بعد از آن تقسیم نمود. در دوران پساکرونا، جهان آینده میل شدید به فردی شدن و فراخانگی قدرت فردی، عصر هویت‌های تک‌سرنشین، و دانش‌بنیاد پیدا خواهد کرد و تلاش برای دستیابی به تعادل در همه لایه‌های زندگی، شکافت زمان، تلاش برای ورود به دوره روح مصنوعی، شدت خواهد گرفت. شتاب تغییرات، با ورود آدمی به آبشار تغییرات بزرگ، تغییر در نظام زیست جهان‌های گوناگون اندیشگی بشر در لایه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... را به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری: با بحران ناشی از شیوع کرونا به عنوان یک پاندمی، فرو افتادن آدمیان به «آبشار تغییرات» سرعت خواهد یافت. در دنیای آینده پساکرونا، بشر از زندان جهان ساخته دیگران برون خواهد آمد و جهانی آدمی‌تر شده را جستجو خواهد کرد. در منزلگه پیشاروی، زندگی در «لحظه‌های دگرگون‌ساز و رفتارهای تغییرپذیر و کنش‌های چریکی» و در دنیای میکروماکروئیزه شکل و محتوایی نوین خواهد پذیرفت.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، بحران کرونا، پساکرونا، آینده‌پژوهی، آینده‌نگری، تاریخ‌شناسی، زیست جهان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

⁻ دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۹۱-۳۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۱۴



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

با شیوع کرونا، بحرانی جهانی آغاز شد. بررسی آثار این بحران در شکل‌دهی به دوران بعد -پسا کرونا - از منظر آینده‌پژوهی، یک مسأله مهم در این علم است. آینده‌اندیشی یا آینده-پژوهی، علم کاهش خطاهای تخمینی و گریز از غافلگیری‌های استراتژیک است. این خود نشان دهنده اهمیت این رشته و اهمیت این مسأله در گستره نگرش این نظام‌واره علمی است. بحران کرونا فراگیر است؛ مانند تمام بحران‌های جهانی به سان یک متغیر اثرگذار در تشدید و تولید تغییرات جدید چهره نشان می‌دهد. بحران به حدی طبیعی، شگفتی‌ساز و غافلگیرکننده می‌نماید که می‌توان گفت، بشر در آن گرفتار آمده است. دعامندان جهان دل در گرو دانشمندانی بستند که در آزمایشگاه‌ها برای مهار آن راهی بجویند. بسیاری از کشورها در دستیابی به داروی درمانی برای آن و کسب وجهه بیشتر در «آشفته بازار جهانی»، رقابتی پردردسر را آغاز کردند.

بزرگترین و ملموس‌ترین بحران ناشی از آن، در زیست جهان سیاسی به نمایش گذاشته شد. در حالی که مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین بحران حاصل از آن، در زیست جهان اندیشه و تفکر آیینی بروز پیدا نمود. مسأله اصلی برای ما در این باند پربینای اثر این بحران فراگیر، در گستره زیست‌جهان‌های اصلی حیات فردی و اجتماعی آدمی است. عرصه ارتباطی ما آدمیان از نظر ذهنی - عینی^۱ و ساختاری - بافتاری^۲ اهمیت محوری دارد. اثر عینی این دگرگون‌ساز بیش از هر چیز در نحوه «ارتباط^۳ و ارتباطات^۴» پژواک پیدا خواهد نمود. این پدیدار جهانی، در بطن قرار گرفتن بشر در آستانه ابدیت زمانه و آغاز زمانه دیگری در فراقضای حیات آدمی قرار دارد. ما در بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آستانه‌های ابدیت^۵ زمانه، ایستاده‌ایم. به بیان دیگر، در دروازه‌های ورود به عصر جدیدی که بحران کووید ۱۹، نقطه تمایز بخش عصر قدیم و آغازگر دورانی جدید است.

کووید ۱۹، به واسطه اثرگذاری خود در دو ساحت «تشدید و تولید» اثر بر آینده زمان، از اهمیت بسزا برخوردار است. از این رو، به مانند بسیاری از رویدادهای جهانی بزرگ، قابلیت «برش‌دهی زمان در درون زمانه» را با خود همراه دارد. از همین رو می‌تواند به عنوان نقطه عطفی نه بدیع که جدید، برای نام‌گذاری زمانه به دو بخش پیشا و پسا کرونا باشد.

جدای از اهمیت تصمیماتی که مردم و دولت‌ها در این بحران می‌گیرند، احتمالاً آینده دنیا برای سال‌ها از آن متأثر خواهد شد. در لایه‌های زیرین‌تر این اثر زبرین، دگرگونه‌سازی‌های

1. Mental - objective
2. Structural - textural
3. Connection
4. Communicate
5. eternity's Gate

این دو از واژه communes به معنای مشترک یا عمومی گرفته شده‌اند.

ذهنی در زیست‌جهان‌های گوناگون بشر است که اسطوره‌ها و استعاره‌های حاکم بر تفکر و پارادایم‌های علمی چیره بر اندیشه بشری را به تلاطم و خواهد داشت. این‌ها در آینده میانی و دور، اثر بیشتری را از خود بروز خواهند داد.

به قول مایکل برچر، بحران تولد یافته است (Michael Bercher, 1993) و به مرحله شکوفایی رسیده است. در مرحله فروکش، سیاستمداران در بند کنترل بحران و بهره‌برداری سیاسی هستند. تمامی دولت‌ها زمانی که بین گزینه‌های مختلف انتخاب می‌کنند، نه تنها باید بگویند چگونه قرار است بر تهدیدهای فوری غلبه کنند، بلکه باید بدانند که با فرو نشستن طوفان ناشی از بحران، در چه دنیایی زندگی خواهند کرد. طوفان تمام می‌شود؟ بشر زنده می‌ماند، اما در یک دنیای متفاوت زندگی خواهد کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق با تکیه بر پارادایم‌های موجود آینده‌اندیشی، متوجه پارادایم معرفت‌شناسی پس‌پوزیتویستی، با روش‌شناسی کیفی آینده‌نگری، معطوف به هرمنوتیک موقعیتی است. یافته‌های این نوشتار، در مجموع نشان‌دهنده آغاز دوران جدیدی است که آدمی در آن با این بحران وارد آبشار تغییرهای شگرف می‌شود. اثرگذاری به اندازه‌ای هست که می‌توان گفت؛ جهان در این دوره با عبور از عصر ارباب حلقه‌ها در دوران دهکده جهانی لوهان، جهان مسطح فریدمن و اتاق شیشه‌ای، به دوران ارباب لحظه‌ها در آستانه ورود به گوی بلورین و زیرآستانه ورود به فلک آبگونه قرار می‌گیرد.

این پژوهش نشان می‌دهد که با ردگیری یا پویش مسأله زیست‌جهان‌های آینده در گذار از سه‌گانه‌های آبگونه و اثبات آن به معنای مقام اصلی و اساسی، تغییر در این عرصه و اثبات آن، وجود تغییر را به عنوان یک امر تشدیدکننده و تولیدکننده در مقام امری ثبوتی - وجود تغییر یا دگرگونی به عنوان امری هستم‌مند و ذاتی در این گذار - بر ما نمایان می‌سازد. قبول اصل تغییر، یکی از اساسی‌ترین اصول در ساحت آینده‌اندیشی است (مطهرنیا، ۱۳۹۹).

چارچوب نظری پژوهش

مقاله حاضر بر آن است که اثر بحران کرونا را به عنوان متغیر مستقل کیفی بر زیست‌جهان‌های آینده آدمی، به عنوان متغیر واسطه یا مداخله‌گر و بر دنیای ارتباط و ارتباطات به عنوان متغیر وابسته به دنیای پساکرونا با محوریت تئوری سه‌گانه‌های آبگونه^۱ بررسی نماید. از این

۱. طرح اولیه سه‌گانه‌های آبگونه با مطرح کردن اتاق شیشه‌ای و گوی بلورین در رساله دکترای نویسنده دفاع شده در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، صورت پذیرفته است. در این سه‌گانه‌ها به ترتیب و بر اساس تئوری مکعب فروریزش فاصله‌ها در بستر رشد فناوری‌های ارتباطی شاهد درهم تنیدگی کامل و تمام وجهی عناصر زمان و مکان خواهیم بود. به گونه‌ای که در فلک آبگونه، شاهد مرگ «سانا» در ارتباط و آنچه فعالیت رسانه‌ای خوانده می‌شود، خواهیم بود.

رو، چارچوب نظری بحث، متوجه تئوری سه گانه‌های آبگونه است. سه گانه‌های آبگونه در امتداد نظریه‌های دهکده جهانی مارشال مک لوهان و جهان مسطح توماس فریدمن، توسط نگارنده مطرح شده است و شامل اتاق شیشه‌ای^۱، گوی بلورین^۲، و فلک آبگینه^۳ می‌شود. بر این اساس، در پرتو رشد فناوری‌های ارتباطی بشر در آینده نزدیک، شاهد «مرگ فاصله‌ها» و تکمیل «مکعب فروریزش فاصله‌ها» خواهد بود. در مکعب مرگ فاصله‌ها شاهد فروریزش تمام ابعاد مسدود کننده ارتباط آدمی خواهیم بود. رسانا یا به عبارتی مجموعه‌ای از فناوری‌های سخت که در قالب مفهومی «ارتباطات» در ادبیات این علم مورد توجه است، از میان برداشته خواهد شد و با مرگ رسانا در ارتباط رسانه‌های آدمیان، بشر فردا از طریق «ارتباط میان فرکانسی مغز» خواهد توانست بدون هیچ نیازی به سخت‌افزارهای کنونی، به گفت و گو و تعامل با دیگر هم‌نوعان خود در گستره زمینی و فرازمینی دست یابد.

شتاب روزافزون انسان در گذار از دهلیزهای هزارتو و تودرتوی علم و فناوری و گذار پی در پی از پوسته‌های جورواجور شعور متعارف، به سرعت شتاب را نیز از گویایی باز می‌دارد. این فراشتاب چند ریشتری در ساحت فناوری ارتباط موجب شده است که نظریه‌های گوناگونی چهره نشان دهند. در سال ۱۹۶۷، ماهان از دهکده جهانی سخن گفت. در سال ۲۰۰۵ فریدمن، جهان مسطح را مطرح کرد. نگارنده در سال ۲۰۱۰ اعلام داشت که جهان به اتاق شیشه‌ای تبدیل شده است. در اتاق شیشه‌ای شاهد در هم تنیدگی عناصر زمان و مکان و فروریختن فاصله‌ای فهم متقابل از طریق نزدیک ارتباط حسی با کمک فناوری‌های ارتباطی از راه دور بوده‌ایم. پنج حس از حواس آدمی در اتاق شیشه‌ای قابل انتقال از راه دور است. با توجه به تغییرات پرشتاب در سال ۲۰۱۵ از «گوی بلورین»، سخن گفت. در این مرحله، آدمی در حال عبور از فاصله‌های زبانی و فروریزش بزرگ فاصله‌های ناشی از اختلاف زبان‌ها و گویش‌ها است. فروریختن بزرگ فاصله‌های زبانی نزدیک است؛ به گونه‌ای که فناوری‌های نوین به زودی به سهولت و سرعت، یک زبان زنده دنیا را به تمام زبان‌های زنده بدون حضور عاملیت-های انسانی به عنوان مترجم عمومیت خواهند بخشید. این امر با فروریزش بزرگ دیگری تکمیل خواهد شد. بشر در پی آن است که فاصله‌های بین‌الذهانی را بردارد. فروریختن فاصله‌های بین ذهنی و احتمال بالای ارتباط آدمی از طریق فرکانس‌های مغزی در حال پیگیری مجدداً است. همان‌گونه که اثر انگشت هیچ آدمی با آدم دیگر یکی نیست، ولی نزدیک است؛ فرکانس‌های مغزی نیز این‌گونه است. امکان ارتباط فرکانس‌های مغزی با یکدیگر در این فضای در هم تنیده می‌تواند جهان را از گوی بلورین وارد دروازه‌های ورود به فلک آبگینه

1. Glassy Cabin
2. Cuplike Balls
3. Crystal dome

نماید. نتایج^۱ و پیامدهای این عبور جهان، آینده بشری را به سمت ورود به «ارتباط فراشبکه» ای خواهد کشاند. اثرات آن در وجوه گوناگون بشر از برسازی هویت‌های تک-سرنشین دانش‌بنیاد تا بر ساختن رسانه - دولت‌های فراشبکه‌ای، در عرصه بین‌المللی پیش خواهد رفت.

از سوی دیگر، در مسیر این کلان‌روند ناگزیر، و چارچوب تئوریک برگرفته از اثر آن نباید اثر کووید ۱۹ بر آینده را به مثابه یک شگفتی‌ساز از نظر دور داشت. از همین رو، در ادامه نگرش نظری به این موضوع باید به گزاره‌های زیر به عنوان بخشی دیگر از چارچوب مورد نظر توجه نمود.

در ارتباط با کرونا به عنوان یک بحران فراگیر و در سطح کلان دو دیدگاه تئوریک وجود دارد. گروهی آن را عذاب الهی^۲ و گروهی، حفره تعادل^۳ می‌دانند. یک دیدگاه تقلیل‌گرایانه و خشن که چهره نظام آفرینش و آفرینش‌گر را انتقام‌جو و مجازات‌گر و کرونا را عذاب الهی معرفی می‌کند. نظام دیگر از اندیشه، نظام آفرینش و اراده آفرینش‌گر را بر اساس نظم عالی حاکم بر هستومندی وجودی و کیهان موجود می‌بیند، بر این باور است که لحظه‌ها و آنات در کل به عنوان نور ساطع از وجود آفرینش‌گر، به دنبال ایجاد تعادل عالی سیستمی^۴ میان این اجزا است. بر اساس این باور است که زمانه با زمان پهلوی پدیده هم دیگراند؛ اما یکسان نیستند. زمان instant و زمانه time، است. زمان واقعیت مطلق و آمدی است. به واسطه «آنی» بودنش در لحظه ثابت است. از جنس نور است، اما زمانه پیوند این لحظه‌ها را (با مکان، حرکت، آدمی، و آدمی در مکان و در حال حرکت مکانی و فردی) نشان می‌دهد؛ از این رو شکسته می‌شود. ثبات هویتی خود را در استمرار مکانی و حرکتی از دست داده، بر اساس گردش زمین به دور خورشید و به واسطه تقسیم‌بندی آشکار و پنهان نور در شب و روز قسم‌بندی می‌شود.

زمان به نوعی منضم به آفرینش و آفرینش‌گر ازل و ابدی است. پایانی ندارد؛ همان‌گونه که آغازش به آفرینش منضم است، اما زمانه در قالب دوره‌های پایان‌پذیر است و در نهایت «استمرار» هویتی خود به ذات زمان، بازگشت و دوره‌ای جدید را آغاز می‌کند. در شرایطی که کرونا به وجود آورد، ما در دوره گذار از زمانه به زمانه دیگری قرار گرفته‌ایم. شکاف جدیدی در زمانه آغاز شده است. اکنون درحفره یا سوراخ تعادل زمانه برای ورود به زمانه دیگری قرار گرفته‌ایم.

آفرینش‌گر، آزادگی آدمی را بر آفرینشش چیره ساخته است. نمی‌توان پروردگاری را که آدمی را آزاد آفریده و هستومندی آزاد در پذیرش یا رد خویش به آدمی واگذار کرده است،

1. Outcomes
2. Impactes
3. Divine Punishment
4. Balance hole
5. Excellent system balance

کرونا و زیست جهان‌های آینده/۲۹۷

دارای خصلت انتقام (و مُنتَقَم به معنای ستیزه‌جو خواند). تنها می‌توان به خدایی اشاره کرد که در انتقامش نیز هدفی عالیه در بطن و متن قدرت قاهره خویش قرار داده است.

بر این اساس و با رویکرد معنادار قبول این بحران به عنوان تعادل‌بخش و پرکننده حفره عدم تعادل، موضوع را متوجه جهان زیست‌های آدمی و اثرپذیری آن‌ها از کوئید ۱۹ به عنوان تشدیدکننده و تولیدکننده تغییر در دورانی به عنوان «پساکرونا» قرار داده است.

هوسرل^۲، زیست‌جهان (دائرة‌المعارف بریتانیکا) را نخست در دست نوشته‌هایش در ۱۹۱۷ به کار برد، اما تا زمان انتشار «بحران»، در ۱۹۳۶ تبیینی از معنای پدیده‌شناختی آن عرضه نکرد. چنان‌که «بحران» نشان می‌دهد، زیست‌جهان بسیار پیچیده و مبهم است. عام‌ترین برداشت از زیست‌جهان آن را به عنوان جهان تجربه روزمره، جهان انضمامی، و جهان واقعی معرفی می‌نماید. علاوه بر این، زیست‌جهان، جهانی مشترک است؛ یعنی جهانی است که سوژه‌های دیگر در آن به سر می‌برند. این مفهوم عام زیست‌جهان به عنوان جهان تجربه روزمره، به معنای جهان سوپزکتیو است که سوژه در آن زندگی می‌کند و دیگران را که به عنوان سوژه تشخیص داده می‌شوند نیز در بر می‌گیرد. به علاوه، این برداشت از زیست‌جهان، این مفهوم ضمنی را با خود دارد که زیست‌جهان وابسته به جهان فرهنگی نیز هست. جهانی سرشار از معناست، اما معنایی که قرابت و بی‌واسطگی‌اش مسلم انگاشته می‌شود. به وضوح چنین جهان فرهنگی، یک جهان نسبی است که در آن افرادی با فرهنگ مشترک زندگی می‌کنند (سیاوشی، ۱۳۹۵، ۳۸). «زیست‌جهان» به مثابه یکی از عناصر کلیدی «کنش ارتباطی»، وسیله‌ای است که از طریق آن کنش ارتباطی در سه جهان طبیعت، جامعه و خود تحقق می‌یابد.



شکل ۱: مثلث کنش ارتباطی در سه جهان

این مفهوم تا اندازه‌ای نظیر مفهوم زبانی و پیش تأملی یا تجربه بدون واسطه هوسرل و تا اندازه‌ای مانند مفهوم زبانی «صورت زندگی^۳» ویتگنشتاین است. این مطلب با یکپارچگی اجتماعی ارتباط آشکار دارد. از زاویه زیست‌جهان، مدرنیت فرایندی است که از طریق آن

۱. به معنای جاری و ساری در شناخت محدود بشر

2. Edmund Husserl

3. Form of Life

عرصه‌های مختلف زندگی ما بر توافق عقلانی و متقابل خرد ارتباطی استوار می‌شود، نه بر سنت. از منظر نظریه انتقادی آدورنو و مارکوزه، مفهوم «عقلانی کردن زیست‌جهان» حامل معنای پیروزی عقلانیت ابزاری است، اما از نظر هابرماس قضیه برعکس است (شفیعی، ۱۳۸۴، ۱۶۳-۱۶۵). به این ترتیب، حداقل در اینجا باید به زیست‌جهان‌ها به مثابه جهان انضمامی ناشی از تجارب روزمره ما در درون جهان واقع بنگریم که در نهایت بر سازنده ارتباط ما با طبیعت و جامعه در نظام آفرینش هستند.

کرونا، در جهان پساکرونا بر زیست‌جهان‌های مختلف، اثرات قابل توجهی به جای خواهد گذاشت. این اثرات، درجات مختلف ضعیف^۱، متوسط^۲ و قوی^۳ خواهد داشت. کرونا، آفرینشگر دوران پساکرونا از طریق اثرگذاری بر زیست‌جهان‌ها و به پیروی از آن، زندگی بشر آینده در عرصه‌های گوناگون بویژه در حوزه ارتباط و ارتباطات خواهد بود. این تأثیرات در هر گستره، در دو ساحت تشدید^۴ یا تولیدی^۵ ظهور خواهد کرد.

زیست‌جهان‌ها و اثر کرونا بر آن‌ها

۱- زیست‌جهان اندیشه

زیست‌جهان اندیشه بشر با لایه‌های گوناگون آن در گریز از پدیدارهای گوناگون قرار گرفته است. سیگنال‌های تغییر در این زیست‌جهان به اشکال مختلف ظاهر شده است. جهان اندیشگی بشر دیرزمانی است که ناگزیر در حال ورود به نومدرنیته دیگری است که اثرات عینی خود را در قالب نومدرنیسم^۶ به جهان عرضه خواهد کرد. در روند تاریخی، پست‌مدرنیسم مفهومی جامعه‌شناختی است که به دوران تاریخی بعد از مدرنیسم اطلاق می‌شود (Barker, C, 2004) نو مدرنیسم در پی انسانی کردن و حتی تا حدی دموکراتیک کردن محیط کاری است. یکی از مؤلفه‌های ادبیات نومدرنیستی، تمایل به علمی بودن و علمی نگاه کردن است. پیدایش پست‌مدرنیته را به طیفی از عوامل گوناگون نسبت داده‌اند (بنت، ۱۳۸۶، ۵۱-۵۴). از جمله:

رنگ باختن عقیده و ایمان به تبیین‌های عقلانی (علمی) (Bell, 1976).

افول اهمیت و مرکزیت کار در زندگی روزمره و پیدایش جامعه پسا صنعتی که مبتنی بر مصرف‌گرایی و فراغت است. (Featherstone, 1991).

قدرت رو به افزایش رسانه‌ها در به گردش درآوردن کثرتی از تصاویر و متون در میان مخاطبان جهانی (Kellner, 1995; Ang 1996).

1. Week Signal
2. Middle Signal
3. Strong Signal
4. Intensification
5. Produced
6. Neo-modernism

اثر کرونا بر زیست‌جهان اندیشه: کرونا، سرعت این دگرگونه‌سازی‌ها را افزایش خواهد بخشید. اتمسفر پادگفتمانی موجود در شکل‌دهی به اندیشه بشر و محتواپروری برای آن تغییر خواهد کرد. این اثرگذاری دوجانبه، تشدید و تولیدی و در همان حال قوی خواهد بود؛ چرا که تنها متوجه اثرپذیری از بالا؛ یعنی حوزه اندیشه اندیشمندان و یا از پایین؛ یعنی تغییر در ابزار و فناوری‌ها و اثرگذاری آن‌ها بر ساحت اندیشگی بشر نخواهد بود، بلکه هر دو در آن موثر خواهند افتاد. علاوه بر آن‌ها، این بار نسلی از فرودستان فعال در قالب توده‌های آگاه پویا، نه عوام ناآگاه پیرو، به حمایت از آن‌ها خواهند پرداخت. اگر بپذیریم «مسیر تفکر از محتوای فکر مهمتر است»، باید بگویم که کرونا در تغییر این مسیر نقش بسزایی از خود به جای خواهد گذاشت.

بنابر آنچه در متون آینده‌پژوهی می‌توان مطالعه کرد، در آینده‌اندیشی سه نظریه آینده‌پژوهی فرجام‌گرا، آینده‌پژوهی جبرگرا و آینده‌پژوهی پیامبرگونه از هم جدا شده‌اند (ملکی‌فرد، ۱۳۹۳). در نظریه‌های آینده‌اندیشانه متوجه آخرالزمان، رسیدن به ابدیت و پایان جهان در این دگرذیسی بزرگ چهره نشان خواهد داد. این پایان‌گرایی بیش از آن که متوجه ظلم و ستم و یا پایان دوره‌ای تاریخی از حیات نامتعادل ناشی از خطاهای بزرگ و فاحش آدمی باشد، متوجه سرنوشت محتوم با دو گرایش «جبرگرایی تاریخی» و «فرجام‌گرایی» خواهد بود. در این میانه، اقلیتی هرچند درست اندیش! به پایان یک دوره خواهند اندیشید و درگاه ورودی به دوره‌ای دیگر در حیات بشر را خواهند گشود. نگرش‌های بدفرجام‌گرا و خوش‌فرجام‌گرای جبری و اختیاری در سویه‌های گوناگون آن شدت خواهند یافت، اما در دوران پساکرونا این نگرش‌ها با ژرفاندیشی‌های بیشتری از سوی لایه‌های گوناگون اصحاب علاقمند به تاریخ و آینده زمان مورد پروا قرار خواهند گرفت.

در راستای نگرش به راز آینده و رمزگشایی از آن، هردو دیدگاه بدفرجام‌گرای نابوداندیشانه و خوش‌فرجام‌گرای پایان‌گرایانه تاریخ، با پرسش‌های جدی‌تری روبه‌رو خواهند شد. نظریه‌های موعودگرایانه تلاش خواهند داشت تا با طرح ادعاهای خود در نشانه‌گذاری‌های پیش‌گویانه، مخاطبان خویش را حفظ و به دایره پیروان خود بیفزایند و از این دوران به عنوان فرصت بهره‌برند؛ در حالی که نظریه‌های بدفرجام‌گرایانه جبری در پی ترساندن بشر از عواقب سهمگین کارهایی خواهند بود که شیطان درونی آدمیان بر ساخته است و هرکدام در پی این اندازدهی در پی کسب نفوذ بیشتر در پیروان خود برای تغییر سبک زندگی به نفع سپهر اندیشگی خود بر خواهند آمد.

در این میان، فرصت برای اندیشمندان حقیقت‌جو فراهم است تا با تکیه بر گزاره‌های موجه صادق در برتو و جوه گوناگون، عقلانیت استدلال‌گرا، به مستدل‌سازی عالمانه دیدگاه‌های خود بپردازند و حقیقت را از پشت ابهامات موجود برکشند. در دوران پساکرونا با توجه به چالش

فراروی تمام این باورها و شکست آن‌ها برای کمک به بدیهی‌ترین ادعاهای آن‌ها در حفظ سلامت جامعه در زمانه بحران کرونا، نیایش‌های مؤمنان راستین این آیین‌ها و نقد مدعیان دین با همراهی بیشتر ولی محتاطانه توده‌های مردم همراه خواهد بود.

زمان پایانی ندارد. اما زمانه ابدیتی دیگر را تجربه خواهدکرد. برجستگان منطق عقلی در پرتو دانایی بشری باید از این فرصت پساکرونایی برای روشنگری دیگری در تاریخ بشری سود جویند. در نومدرنیته کنونی، نوزایش فکری دیگری در راه است که می‌تواند به مثابه عصر روشنگری خود را به نمایش گذارد.

در دوران‌های گوناگون دگرگون‌سازی‌های «زمانه»، از زمانی به زمان دیگر در درگاه‌های پایان یک دوره زمانه به زمانه دیگر، همواره پیش‌گویی‌ها بازار شایسته‌تری می‌یابند. همان‌گونه که نویسندگان عهد عتیق، در اواخر این دوران، سرسختانه می‌کوشیدند تا به شیوه‌های گوناگون به پیشگویی روی آورند. آن‌ها با توسل به انواع روش‌ها می‌کوشیدند تا «نقش انسان در دنیای مادی را در چارچوب‌های زمانی و مکانی کاملاً سازمان یافته قرار دهند»^۱. در این زمانه‌ها مردم اصولاً به انواع روش‌ها برای پیش‌بینی آینده روی می‌آوردند. یکی از این روش‌ها، احکام نجوم و طالع‌بینی بود که چنان رقیبی در برابر احکام کلیسا چهره نشان داد و مورد هجمه اصحاب آن قرار گرفت که اعتقاد داشتند، اجرام آسمانی چیزی جز ماده محض نیستند، اما اعتقاد بر ستارگان و چگونگی پیش‌بینی بر اثر حرکت آن‌ها از سوی اصحاب اخترشناسی در ذهن مردم عادی قوت گرفت و رودررویی مردان مدعی خدا با ستاره‌شناسان، بیش از پیش برجسته شد. سیمئون، معروف به قدیس ستون‌نشین و ملقب به «أقدم» نیز به چنین بحث و جدل‌هایی در آن دوران پرداخته است. دوران پساکرونا شاهد اصطکاک دوباره این دو شیوه نگرش به آینده در بین توده‌های مردم خواهد بود که به همت ورود به عصر هوش مصنوعی و بهره‌وری از روش‌های عالمانه در پی رازگشایی از رمز آینده‌ها، می‌تواند با کمک فناوری‌های ارتباطی، زمینه‌پرور توجه بیشتر به آینده‌اندیشی در زندگی بشر با تمسک به روش‌های علمی باشد.

کارل یاسپرس، در «آغاز و انجام تاریخ» اعتراف می‌کند که: «همه چیز آینده خارق‌العاده است» (یاسپرس، ۱۳۶۴، ۱۶). انسان با دست خویش، خود را به نابودی می‌کشاند و هیچ امیدی نیست. تنها یک امید هست؛ این که انسان بر این سرنوشت خویش آگاه است و نشانه‌اش ترس انسان است». آخرین حرف و حدیث یاسپرس درباره آینده انسان و جهان این است:

۱. جبرگرایی، تعیین‌گرایی یا دترمینیسم Determinism یک نظریه فلسفی است که بر طبق آن هر رویدادی از جمله رفتارها و کنش‌های انسان، به صورت علی (علت و معلول) بدست زنجیرهٔ پیوسته‌ای از رخدادهای پیشین به‌طور کامل تعیین شده‌است. به عبارت دیگر بر اساس جبرگرایی، سیستم جهان دارای نظمی علی و جبری می‌باشد که سرانجام آن تنها به یک نتیجه واحد منتهی خواهد شد. جبرگرایی، برخلاف سرنوشت‌گرایی یا Fatalism، معمولاً در مقابل اراده آزاد قرار ندارند. مارکس، وبر، اسپنسر و دارای نظریاتی جبرگرا هستند.

کرونا و زیست جهان‌های آینده/۳۰۱

«خطر این است که خطر را فراموش نکنیم.» به نظر می‌رسد، کرونا آمده است تا با مخاطراتی که ایجاد می‌کند، این خطر را فراموش نکنیم.

به این ترتیب، کووید ۱۹ اندیشیدن را نزد همه تقویت خواهد کرد. تفکرورزی را از انحصار دانشگاهیان خارج خواهد کرد و مردمان را در این دوران پرمخاطره به سمت ناگزیرگاهی از قبول منطق عقل خواهد کشاند که پشتوانه‌هایی از عاطفه آگاهانه و عواطف، متوجه آگاهی را برای عمل مطمئن‌تر، آن هم با آگاهی از ندانستن و خطرات این ندانستن برای آینده متوجه خواهد ساخت.

۲- زیست جهان فناوری

به موازات دامنه پریهنای فناوری‌های ارتباطی، تکنولوژی سلامت گسترش خواهد یافت. تحت تأثیر تکنولوژی ارتباطی، «مرگ فاصله‌ها»^۱، و با تکنولوژی‌های زیست‌سنجی^۲ (Raul Sanchez-Reilloot, Ines Ortega-Fernandez, & other, 2019, «مرگ نقاب‌ها»^۳ رقم خواهد خورد. زیست‌جهان فناوری، تحت تأثیر کرونا بیش از گذشته متوجه فناوری‌های بهداشت و سلامت جهانی و جهت‌گیری‌های افزایش دهنده به سطح آگاهی‌های گسترده بین-المللی برای دگرگونه‌سازی سبک زندگی به سمت بهره‌برداری از تکنولوژی برای افزایش ضمانت سلامت و بهداشت جهانی خواهد بود. این تغییرات، جهت‌گیری‌های نومدرنیستی را تقویت خواهد کرد.

اثر کرونا بر زیست‌جهان فناوری: این اثرگذاری در حوزه تکنولوژی ارتباطی، تشدیدکننده قوی و در حوزه زیست‌سنجی تولیدکننده خواهد بود.

در آینده با پزشکان شخصی شده هوشمند و داروخانه‌های خصوصی هوشمند شده برای سرویس‌دهی سریع‌تر روبه‌رو خواهیم بود. نقش ربات‌ها در شبکه کلان و بویژه خرد حمل و نقل جهانی افزایش خواهد یافت. رعایت بهداشت فردی و سلامت عمومی، بهره‌برداری از ربات‌ها را برای حمل و نقل کالاهای اساسی توجیه‌پذیرتر از گذشته خواهد کرد. شبکه‌های عصبی مصنوعی مبتنی بر الگوریتم‌های یادگیری، گسترش پیدا خواهند کرد. رشد روزافزون یادگیری ماشین‌ها و هوش مصنوعی، اثرات شگرفی بر کارکرد مغز در تصمیم‌گیری‌های مالی و تحلیل ریسک در تصمیم‌گیری‌ها را به دنبال خواهد داشت. آینده تماس‌های تلفنی با کارکردهای متنوع‌تر تحت اثرات فناوری‌های نوین، متوجه سطح اثربخشی آن‌ها برای دورکاری خواهد بود. نظام آموزشی و روش‌های یادگیری و یاددهی با پذیرفتن و به کار گرفتن فناوری‌های جدید به صورت تصاعدی به ایجاد دگرگونی کمک خواهد کرد. به احتمال بسیار بالا تا

1. The death of distances
2. Biometric
3. The death of the masks

۲۰۲۵ بالغ بر ۸۰٪ زمین از اینترنت جهانی موسوم به اوترنت (David Honess, 2015) بهره خواهد برد.

با توجه به جهت‌گیری قابل پیش‌بینی در عرصه انتقال شبکه‌های اجتماعی به شبکه‌های فرااجتماعی،^۱ سطح دانایی ملت‌ها افزایش و امکان اصطکاک بیشتر با قدرت دولت‌ها را فزونی خواهد بخشید. در دنیای آینده، این اندیشه بشری است که خواهد توانست در پرتو استفاده از فناوری‌های عصر چهارمی ارتباطات، واقعیت موازی با واقعیت عینی خود را فراهم سازد. در این دنیا «آزادی اندیشه» و «اندیشه آزاد»، تحکیم‌بخش «اعتقاد آزاد» خواهد بود. انسان با عبور از اتاق شیشه‌ای حیات خود، در گوی بلورین^۲ قرار گرفته و اندیشه او وسعتی جهانی خواهد پذیرفت. درون‌گرایی بیشتر مخاطبان، در حال ظهور است و به برون‌گستری اندیشه آدمی در باند پرپهنای جامعه جهانی گرایش پیدا خواهد کرد. شبکه‌های فرااجتماعی به وجود خواهد آمد. شبکه‌هایی که جهان را به ریزکره ارتباطی تبدیل می‌کند و ملیت‌های جدیدی را برخواهند ساخت. از هم پاشیدگی «نهاد رسانه»، در حال «نهادسازی رسانه‌ای» است. به بیان دیگر، رسانه‌ها رسالت جهانی پیدا خواهند کرد و فراملیتی وارد عرصه رهبری جهانی خواهند شد. «رساناها»، در گستره رسانه ناپدید خواهند شد.

در اینجا است که آزادی اندیشه و اندیشه آزاد در گستره نیاز انقلابی خود، برای رهبری جهانی تأمین امنیت بیشتری خواهد یافت. دیگر این پرولتاریا یا دانشجویان یا دیگر کنشگران انقلابی نخواهند بود، بلکه این رسانه‌ها خواهند بود که در پرتو شبکه جهانی قدرت خود، توانایی آزاداندیشی و انتقال اندیشه آزاد را بالا خواهند برد. این خود به از بین رفتن کنترل حکومتی در حیات فردی و جمعی انسان منجر خواهد شد. به این ترتیب، آزادی به روح جهان آینده تبدیل خواهد شد.

زیست‌جهان فناوری از آثار ناشی از بحران کرونا اثر خواهد پذیرفت، اما این اثر نیز ضرورتاً اثر منفی نیست. کرونا، به عنوان تشدیدکننده پذیرش فناوری و مشروعیت‌بخش به آن، نقش مؤثری در آینده زندگی بشر، بویژه در لایه‌های مقاوم و کلاسیک جوامع گوناگون برای پذیرش فناوری‌های مدرن و تغییر نگاه سنتی به تکنولوژی در جوامع کهن را به دنبال خواهد داشت. فناوری‌های نوین، متوجه سلامت و بهداشت با سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی می‌توانند به جمع‌آوری اطلاعات بیومتریک جوامع خود نایل آیند. بر اساس این اطلاعات است که در جوامع گوناگون، بانک‌های اطلاعاتی گسترده به وجود می‌آید و می‌تواند با کمک قدرت پردازشی هوش مصنوعی و داده‌پردازی‌های مداوم وارد عمل شوند. جبر ناشی از کرونا زایشگر خواهد بود؛ البته برای جوامعی که پیشرو هستند. نتایج این داده‌های ذخیره شده با ترسیم

1. Trans-Social Networks (مرگ رسانه در عرصه رسانه، رُخ خواهد داد. نویسنده).

2. Crystal Balls

کرونا و زیست جهان‌های آینده/۳۰۳

الگوریتم‌های مورد نیاز برای بررسی مداوم سلامت جوامع حاصل خواهند آمد و با آنالیز سریع آن‌ها توسط دستگاه‌های هوشمند دامنه، شدت، طیف متنوع افراد در معرض خطر و حوزه جغرافیای زمانی و مکانی بیماری به سرعت تشخیص داده خواهد شد. به این ترتیب، تلاطم‌های ناشی از تجربه کرونا به سامانه و سازمانی قدرتمند برای حفظ بشر از خطرات ناشی از عفونت‌ها و بیماری‌ها خواهد انجامید.

همین امر به همراه پردازش اطلاعات انتخاب‌گرهای گوناگون بر روی سرورهای مختلف، در کنار پردازش حالات بیومترک آدمی از نظر اطلاعات زیستی و تلاطم‌های احساسی وی مشخص می‌شود و دیگر حریم خصوصی که نه، بلکه پرده‌های درون‌مایه‌های فردی فرو می‌ریزند. همه چیز برای همگان و برای همه آشکار می‌شود. در همین حال، این پیوند همگانی در جهانی که هویت‌های میکروئیزه شکل گرفته‌اند و هویت‌های ملی بر هویت‌های فردی انطباق بیشتری پیدا کرده‌اند، زمینه‌ساز همگرایی‌های ماکروئیزه شده جهانی در قالب آگاهی‌های جمعی خواهد شد.

به این ترتیب، پاندوی کوئید ۱۹ در دو عرصه تکنولوژیک ارتباطی و زیست‌سنجی، اثر غالب خواهد داشت. نگرانی اثر زیست‌سنجی بر تقویت نظام‌های تمامیت‌خواه جدی خواهد شد. این در کوتاه‌مدت اثر قوی خواهد داشت، اما در درازمدت موجب فروافتادن نفاق و شکستن نقاب‌ها خواهد شد. این معنا خود تمامیت‌خواهان را در معرض دید عمومی و آن‌ها را در آئینه جامعه به واقعیت وجودی‌شان تصویر خواهد کرد.

۳- زیست جهان هویت

پیشاپیش اشاره شد، زیست جهان اندیشه و نگاه به باورهای آئینی در تکانه بزرگ دوران کرونا، دامنه خود را در بستر حوزه ارتباط و فناوری‌های فوق مدرن عصر آینده گسترش خواهد داد. هویت در این دوره با تکانه‌های شدیدتر از عصر حاضر روبه‌رو خواهد شد. لغزندگی ناشی از آنچه در تمام آئین‌ها برای رودرویی با این چالش حاصل آمد، از آستین زمان برون خواهد افتاد. مرزهای هویتی، این بار نه از منظر جغرافیایی که از نظر محتوایی جابجا خواهد شد. آنچه دوره آشکارسازی «هویت‌های تک‌سرنشین دانش‌بنیاد»^۱ است، فراخواهد رسید (مطهرنیا، ۱۳۹۲: ۳۸).

اثر کرونا بر زیست جهان هویت: هویت به مثابه درک آدمی از خویشتن در جهت‌گیری‌های ذات‌پندارانه، معادل با ذات و جوهری است که ارسطو نفس خوانده است و در کتاب‌های «درباره نفس» خویش و «خرده طبیعات»، آن را پهلوپدیده جسم و صورت کمال آن دانسته است؛ آن‌چنان لغزان خواهد شد که نظریه‌های تقابلی با آن که هویت را نه یک ذات و جوهره

1. Single-seat identities Knowledge Base

ثابت که هویت را صرفاً حاصل بازی قدرت و میدان‌های گفتمانی تعبیر می‌کنند، از تراز پذیرش بیشتری برخوردار خواهند شد. جهان به عینه شاهد بازتعریف هویت خواهد بود. اگرچه تکانه‌های شدید ناسیونالیستی و اترناسیونالیستی دیده خواهد شد، ولی در نهایت منجر به بازتعریف هویت آدمی در تلفیقی از جوهره آدمیت خود با جهان پیرامونی خویش خواهد بود که به نوبه خود به آماده‌سازی «آدم» برای تبدیل شدن به یک «آدم - دولت‌جهانی» منجر خواهد شد. این معنا در سطور بعد بیشتر روشن خواهد شد.

این اثرگذاری شدید و اثرپذیری، ناشی از آن تابعی از سرعت اثر تکنولوژی‌های ارتباطی خواهد بود. کرونا در آن، اثر تشدیدکننده خواهد داشت؛ چرا که این فرآیند با شروع اثر فناوری‌های ارتباطی آغاز شده بود. پژوهشگران آن را می‌توان در نظریه‌های عبور از دهکده جهانی لوهان (Krewani, 2014) و جهان مسطح فریدمن (Friedman, 2006) پوشش نمود.

۴- زیست‌جهان ارتباط و ارتباطات

زیست‌جهان ارتباط به کناکش میان افراد بازمی‌گردد و ارتباطات، پروای سخت‌افزارها و سیستم‌های گسترش‌بخش باند پریهنای این ارتباط را در بر می‌گیرد. فناوری‌های ارتباطی آنچنان اثر گذارند که مرگ فاصله‌ها را رقم خواهند زد و «فضای مجازی» را به «واقعیت موازی» چیره بر زندگی آینده مبدل خواهند ساخت (مطهرنیا، ۱۳۹۶، ۳۷۲). درهم‌کنش این دو روند با رویدادهایی که نظام اندیشگی کهن را با پرسش‌های اساسی روبه‌رو می‌سازد، در تغییر مسیر تفکر بشر اثرات مهمی بجا خواهند گذاشت که گاه کنترل آن از دست تمرکزگراترین حکومت‌های اقتدارگرا نیز خارج خواهد شد. مرگ فاصله‌ها سرعت خواهد گرفت. مکعب مرگ فاصله‌ها^۲ کامل خواهد شد.

اثر کرونا بر زیست‌جهان ارتباط و ارتباطات: با ورود به عصر هوش مصنوعی،^۳ راستی-آزمایی اخبار و تبدیل آن‌ها به داده‌ها و امکان قسم‌بندی آن‌ها برای بخش وسیعی از مردم محقق می‌شود. پوشش داده‌ها و پردازش آن‌ها در قالب‌های گوناگون الگوهای دانایی‌بخش برای آینده، مخاطرات جدی برای زیست‌جهان کهن ارتباط و ارتباطات به وجود خواهد آورد. دگرگونی در تفکر، همراه با تغییر مسیر اندیشه می‌تواند بر سازنده انقلاب‌هایی بزرگ در لایه-های گوناگون فعالیت‌های آدمی تا ریزترین حوزه‌های کسب و کار باشد. این اثر، نشان از وجود نشانگان قدرتمند تشدیدکننده در پذیرش اثر ساحت اینترنت در وضع موجود زندگی آدمی و اوترنت در وضعیت آینده نزدیک دارد. لازم به احتیاج نیست که اکنون سنتی‌ترین

1. Human – State World
2. Distances Death Cube
3. Artificial intelligence

جوامع و انقلابی‌ترین کشورها، در برابر امواج این جهت‌گیری فناورانه تحت تأثیر کوئید ۱۹، مجبور به تسلیم هستند.

هیل^۱ استراتژیست آمریکایی در دهه ۱۹۵۰ اظهار داشت: «سیاست خارجی نه در واکنش به جهان، بلکه بیشتر در واکنش به تصویری از جهان در ذهن تصمیم‌گیرندگان شکل می‌گیرد». او هشدار داد: «به همان میزان که تصویر اشتباه باشد، عمل و فلسفه مبتنی بر آن هم اشتباه است و هیچ اهل فنی هر قدر هم کارآمد باشد، نمی‌تواند سیاستی را که بر آن پایه استوار است، معقول و منطقی جلوه دهد» (کویر رامو، ۱۳۹۲، ۲۸).

مکعب مرگ فاصله‌ها کامل خواهد شد. این مکعب عبارت است از: شش وجه که در زمان حصول به آن‌ها و سپس اتصال آن‌ها به هم کامل خواهد شد. در سه گانه‌های «اتاق شیشه‌ای، گوی بلورین و فلک آبگینه»^۲ شاهد «مرگ فاصله‌ها» در شش وجه این مکعب خواهیم بود. یک وجه مربعی این مکعب، در اتاق شیشه‌ای در انتهای کامل شدن قرار دارد. سه وجه دیگر، در این مسیر و در گذار به گوی بلورین کامل خواهند شد. این وجوه چهارگانه عبارتند از:

۱- فرو ریختن دیوار فاصله‌های مکانی

۲- فرو ریختن دیوار فاصله‌های جسمانی

۳- فرو ریختن دیوار فاصله‌های زبانی

۴- فرو ریختن دیوار فاصله‌های ذهنی و روحانی

در گوی - بلورین، ارتباط مستقیم و بدون وسایل ارتباطاتی خود را برخواهد ساخت. «حاکمیت اخلاق بر همه ابعاد زندگی بشر» نزدیک است. کسب و کارهای آینده، روحی از ایده و کالبدی از واژگان و لباسی از جنس دانایی بر تن خواهند داشت. جهان در حال زایشی خونبار برای گذشتن از این دلان عبور است.

این فروریزش دو تأثیر مهم دارد:

۱- توسعه و برتری نقش کنشگران رسمی و غیررسمی جهان آزاد - گسترش قدرت حاکمیت‌های برخاسته از اراده مردم دانا در قالب‌های گوناگون فروملی و فراملی در برابر اقتدارگرایی رسمی رژیم‌های تمامیت‌خواه در سطوح گوناگون است - در برابر کنشگران رسمی و غیررسمی دولت کشورهای موجود در باند پریهنای جهانی.

۲- رسمیت یافتن رسانه - دولت‌های شبکه‌ای در نظام بین‌الملل و استقرار رسمی دولت رسانه‌ها در گستره جهانی.

با این تأثیرات دو وجه زیرین و زیرین این مکعب را کامل خواهد گرفت. فروریزش کامل خواهد شد. گوی بلورین به مرحله تکاملی خود خواهد رسید. اینجا است که بشر از زمین کنده

1. Louis Halle
2. Glassware Sphere

خواهد شد - منظور تلاش بشر برای زندگی در سیاره‌های دیگر است - و زمان زمینی را برای عبور به زمان زیست‌فضایی خود به سمت کمال جدید در مسیری نوین و بدیع، به شکلی رسمی و سازمان‌یافته آغاز خواهد کرد.

بررسی اثر کوید ۱۹ بر زیست‌جهان‌ها

در این مجال و در پیش از ورود به نتیجه‌گیری نهایی، به بررسی گزاره‌های استنتاجی و تکمیل‌کننده بحث حاضر در جهت حصول به نگرشی آینده‌نگرانه مبتنی بر روش‌شناسی تفسیری - تحلیلی به موضوع حاضر می‌پردازیم:

در دنیای پسا کرونا، بیش از هر زمان دیگری فرایند تفکر اهمیت پیدا خواهد کرد. آثار دگرگونی در آن به واسطه گسترش ارتباط و ارتباطات، در ورود به آستانه گوی بلورین و زیرآستانه فلک آبگینه، چهره نشان خواهد داد. گذار از اتاق شیشه‌ای در مسیر سه گانه‌های آبگونه، متوجه نظریه مکعب مرگ فاصله‌ها است.

بیش از همه زمان‌ها، اندیشه بشری مشخص خواهد کرد که ما چه آدمی هستیم. بیش‌تر از این، تفکر از سطح پایین شروع می‌شد و هرچه به سطوح بالاتر می‌رفت، تعداد افراد آن جایگاه کمتر می‌شد. این فرایند، در آینده به واسطه حصول آدمی به «دنیای فراشبکه» در ارتباطات و چسبندگی ارتباط آدمی با حذف کامل عناصر مکانی، زمانی و اتمسفر در هم تنیده آن دو در مفهوم فضا، از فاصله بسیار کمی برخوردار خواهد شد. هزینه تبلیغات گویزی در عرصه ارتباطات بسیار بالا خواهد رفت.

آدمی در دنیای آینده با رسانه‌هایی روبرو خواهد بود که ابعاد دوبعدی زندگی انسان - مکان و زمان - را به ابعاد چهار یا پنجگانه سوق خواهند داد. ابعادی که حیات آدمی را به سوی یک زندگی هولوگرافیک خواهد راند. رسانه‌ها از حالت منولوگی یا یک‌سویه خارج و جهت‌گیری دیالوگی پیدا خواهند کرد. نه تنها فاصله‌ها خواهند مرد، که مرزهای اختلافات زبانی فرو خواهد ریخت. مرگ فاصله‌ها و فروریزش دیوارهای اختلاف زبان‌ها، «فروریزش عظیم ۱»، ابعاد گوناگونی از خروجی و پیامدهای مختلف را به همراه خواهد داشت. کنده شدن آدمی از مکان و زمان در فضای مجازی و داخل شدن آدمی به دنیای «واقعیت‌های موازی» و «حقیقت انطباقی ۲» صورت خواهد گرفت.

این فرایند به تمرکززدایی بیشتر می‌انجامد. تمرکززدایی از پیامدهای تکنولوژی اطلاعات است. تجلی تمرکززدایی در موارد بسیاری؛ از جمله انجام کار از راه دور، تولید از راه دور، برگزاری

1. big crunch
2. Adaptive Truth

کنفرانس از راه دور، خریداری مایحتاج از راه دور و انجام امور بانکی از راه دور قابل مشاهده است. تمرکززدایی، پارادایم وحدت در کثرت، و کثرت در وحدت را با انقلابی دگرگون‌ساز روبرو می‌سازد. این بار، داستان از وحدت شروع و به وحدت نیز ختم نمی‌شود. کثرت در وحدت و وحدت در کثرت معناپذیر می‌شود.

هویت دچار دگرگونی درونی می‌شود. نقطه تشابه در شکل‌دهی به هویت انسان‌ها نه در ذات-گرایی هویتی، نه در رویکرد گفتمانی به هویت و حتی نه در نگرش کل‌گرایانه به هویت که از دریچه نگرش «حرکت دائمی هویت در قالب واقعیت» ثبات می‌پذیرد. به این معنا دیگر گستره حیات آدمی، نه دهکده جهانی و نه جهان مسطح و یکدست شده، که جهانی در اتاق شیشه‌ای و در پی آن در گوی بلورین و فلک آبیگینه خواهد بود.

رسانه‌های نوین دیگر به مفهوم دیرزمانه آن، رسانه‌های همگانی نیستند. مخاطب در این گستره، دیگر یک شنونده یا «شنودگر» منفعل نیست، بلکه به یک «پیام‌اندیش» فعال تبدیل شده است. در دوران پساکرونا، با اثر تشدیدکننده پذیرش فضای مجازی به عنوان یک واقعیت^۱ و تبدیل آن به امر واقع^۲ و اخلاقی^۳ از طریق عبور اثرات آن از زیست‌جهان‌های بشری به درون جهان زیست‌سنجی و رسانه‌سنجی بشر، این جهت‌گیری در امتداد جهت قدرت‌افزایی، اثر هویت‌های تک‌سرنشین دانش‌بنیاد خواهد بود.

به موازات رشد فناوری‌های ارتباطی، قدرت در مسیر تداوم هویتی خود تحت تأثیر این فناوری تغییر حرکت داد. قدرت در این مسیر - در خط تداوم خود - از قدرت ساده یا مکانیکی، به قدرت پیچیده ارگانیکی و از آن به قدرت شبکه‌ای پیچیده نقل مکان کرده است. امروز مفهوم قدرت در بستر هم‌آغوشی قدرت سخت با نرم، در قدرت هوشمند تجلی پیدا کرده است و با ممزوج شدن با اقناع‌آفرینی رسانه‌ای توان آن را یافته است که در قالب شبکه‌های درهم تنیده اجتماعی و فناوری ناشی از گسترش اینترنت در آینده نزدیک، شکل‌دهنده به قدرت هوشیارانه، در جامعه فراشبکه‌ای باشد. کوئید ۱۹ شدت‌بخش چنین جریانی است. قدرت در آینده، اذهان هلوتراپیک را در گستره جهانی به یکدیگر متصل خواهد کرد. فروریزش بزرگ رخ خواهد داد و جهان هلوتراپیک به الگوی زندگی انسان و حیات بشر در جهان هلوگرافیک تبدیل خواهد شد. جهان به کثرت در وحدت و وحدت در کثرت تمایل دارد. اجتماع بشری به ملت - رسانه‌ای بزرگ و دولت - رسانه جهانی تبدیل خواهد شد. زیست‌بوم انسان، جهان زیستی به پهنای امواج رسانه را در بر خواهد گرفت.

1. Reality
2. Actually
3. Achoolity / Ethical

آدمی در اتاق شیشه‌ای در مکان زیستی کوچک ولی پرگستره، با مرزهایی به بزرگی زیست-جهان طبیعی بشر زیست خواهد کرد. زیست‌بوم آدمی در اتاق شیشه‌ای به کوچکی یک تلفن همراه خواهد بود و مرزهایی به بزرگی زیست‌جهان طبیعی بشر خواهد داشت.

ذهن هلوتراپیک در درون اتاق شیشه‌ای بالندگی خواهد پذیرفت. بر اساس قانون هلوترایی، هر ذره از این ذهن بالنده دارای همان قدرتی که در پیکره واحد داشت، خواهد بود. این نگرش به مثابه الگوی تبیین‌کننده پنداشته «فردی‌تر شدن فرافردی قدرت» در اتاق شیشه‌ای به میان می‌آید. اتاقی که در آن «میکروانسان سایبری دانش‌بنیاد»، به ابرقدرتی مؤثر در عرصه جهانی تبدیل خواهد شد. هویت، تغییر هویت خواهد داد. انقلابی عظیم و مدرنیته جدید در راه است. هویت‌های ملی به «هویت‌های تک‌سرنشین دانش‌بنیاد» تبدیل خواهد شد.

در دیدگاه علم نیوتونی، زندگی، آگاهی موجود بشری و هوش خلاق، محصولاتی فرعی و تصادفی بودند که از مجموعه خیره‌کننده‌ای از ماده پدید آمده‌اند. انسان با همه پیچیدگی‌هایش در این گستره نگاه، شیئی مادی پنداشته می‌شد. مطالعات و کاوش‌های جدید در مواردی چون مطالعه بر «زیراتمی»‌ها که به اکتشاف خاصیتی تحت عنوان «پارادوکس موج - ذره» انجامید، نشان داد که «آگاهی صرفاً منعکس‌کننده منفعل دنیای عینی و مادی نیست، بلکه نقش فعالی در خلق خود واقعیت ایفا می‌کند» (گروف، بنت، ۱۳۹۰: ۱۱). «به جای وجود اشیای مجزا و فضای خالی میان آن‌ها، اکنون کل جهان یک میدان واحد و پیوسته با چگالی متغیر تلقی می‌شود. در فیزیک جدید، ماده و انرژی قابل تبدیل به یکدیگرند. در این جهان‌بینی تازه، آگاهی بخشی لاینفک از ساختار جهان است؛ جهانی که مسلماً به فعالیت‌های موجود در سرما محدود نمی‌شود» (گروف، بنت، ۱۳۹۰: ۱۲).

اکنون جهانی داریم که نظامی پیچیده از پدیده‌های ارتعاشی است و نه انبوه عظیمی از اشیای نیوتونی. این نظام‌های ارتعاشی، ویژگی‌ها و امکاناتی دارند که خارج از تصورات علم نیوتونی است. طبق نظریه هولوگرافیک، تمام موجودات جهان از یک همبستگی ماهوی برخوردارند که این همبستگی در لایه اصیل نظم - نظم مستتر - برقرار است و در واقع آن چیزی که ما از آن به عنوان نظم در جهان نام می‌بریم، چیزی نیست جز نظم نامستتر و این نظم نامستتر در امواج رسانه‌ای، زیست‌بوم آینده بشری را در میکرو ذره‌های ماکرو شده و در گوی بلورین به نمایش در خواهند آورد.

اگر این نکته آلبرت اینشتین را بپذیریم که «زیباترین چیزی که می‌توانیم تجربه کنیم، امر اسرارآمیز است، این است منبع تمام هنرها و علوم حقیقی»؛ خواهیم پذیرفت که دو دنیای اسرارآمیز وجود دارد که نمی‌توان از آن‌ها به راحتی عبور کرد: ۱- آدمی ۲- زمان. آدمی در دنیای آینده با رسانه‌هایی روبرو خواهد بود که ابعاد دو بعدی زندگی انسان - مکان و زمان -

را به ابعاد چهار یا پنجگانه سوق خواهد داد که حیات آدمی را به سمت و سوی یک زندگی هلوگرافیک خواهد راند. رسانه‌ها از حالت منولوگی یا یک‌سویه خارج و جهت‌گیری دیالوگی پیدا خواهند کرد. نه تنها فاصله‌ها خواهند مُرد، بلکه مرزهای اختلافات زبانی فرو خواهد ریخت. مرگ فاصله‌ها و فروریزش دیوارهای اختلاف زبان‌ها، «فروریزش عظیم»، ابعاد گوناگونی از خروجی‌ها و پیامدهای مختلف را به همراه خواهد داشت. کنده شدن آدمی از مکان و زمان در فضای مجازی و داخل شدن آدمی به دنیای واقعیت‌های موازی جهان، زیست آدمی را به وسعت باند پریپنای ارتباطات بین‌المللی گسترش می‌بخشد. این فرایند به تمرکز زدایی می‌انجامد. تمرکز زدایی یکی از پیامدهای تکنولوژی اطلاعات است که بیش از همه مورد اشاره قرار گرفته است. تجلی تمرکززدایی در موارد بسیاری از جمله انجام کار از راه دور، تولید از راه دور، برگزاری کنفرانس از راه دور، خریداری مایحتاج از راه دور و انجام امور بانکی از راه دور قابل مشاهده است.

موج‌های رسانه‌ای فراز و نشیب خواهند داشت. نام‌ها تغییر خواهد کرد، اما حرکت دائمی به سوی درهم تنیدگی ابعاد گوناگون حیات بشری پیش خواهند رفت ... شبکه‌های اجتماعی در پرتو گسترش ارتباط و اشتراک منابع، در نهایت سیستم‌های بسته اجتماعی را باز و دموکراتیک، و سیستم‌های باز را به دموکراسی مستقیم متمایل می‌سازند. قدرت هلوتراپیک و جهان را هلوگرافیک می‌نمایند. تغییر در زیست جهان قدرت، یکی از چهره‌های دوران پساکرونا خواهد بود.

جهان درگیر «مازاد نشانگان» می‌شود. چرخش گسترده، نشان‌های چندمعنایی که موجب می‌شود الصاق هرگونه معنای مسلط را در جماعت‌های گوناگون جامعه بشری، دشوار و غیرممکن سازد. با گسترش پهنای باند، سرعت و شدت تأثیر تکرر اطلاعات، شاهد انقلاب پارادایمی در حوزه حیات اجتماعی از وحدت در کثرت و کثرت در وحدت به کثرت در وحدت و وحدت در کثرت خواهیم بود. این انقلاب پارادایمی موجب دگرش هویت‌های اجتماعی از دموکراسی سیاسی به دموکراسی اجتماعی خواهد شد که در آن نه حکومت‌ها و دولت‌ها، که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، رهبری و مدیریت جوامع را به عهده خواهند گرفت. هر فرد برای خود هویتی تک‌سرنشین دانش‌بنیاد خواهد داشت.

اتاق شیشه‌ای نه به کوچک شدن که به میکروزه شدن جهان و گذار آن به گوی بلورین خواهد انجامید که مهم‌ترین وجه پیشران آن، فناوری‌های رسانه‌ای است. فناوری‌هایی که دهکده جهانی و جهان مسطح را به اتاق شیشه‌ای تبدیل کرده‌اند، توسعه خواهند پذیرفت. دولت‌ها به رؤسای اجرایی رسانه‌ها تبدیل خواهند شد و به جای رهبری رسانه‌ها توسط آن‌ها، این رسانه‌ها خواهند بود که رهبری نیروهای اجتماعی را به عهده گرفته و مدیریت سیاسی را از طریق

رهبری اجتماعی اعمال، و وجه سیاسی آن را توسط دولت‌ها در مقام سمبل وحدت سیاسی مدیریت خواهند کرد.

انتقال نبرد قدرت به عنوان یک «امر سیاسی واقع» به «واقعیت مجازی شده سیاسی» در پرتو افزارمندی رسانه‌های دیده خواهد شد. رسانه‌ها در تبدیل آرمان‌های نمادین به اصول و ارزش‌ها، تبدیل ارزش‌ها به هنجارها، و ساخت نمادها و موجودات نمادین به پررنگ‌تر شدن دو دسته از قدرت‌پردازان مبتنی بر فرهنگ توده‌گرا و متعالی امکان‌پذیرتر خواهد شد. فرهنگ، بخش انسان پرداخته و جمعیت پذیرفته حیات بشری است و رسانه‌ها حامل فرهنگ‌های گوناگون و مستعد پرورش هژمونی در حوزه حیات اجتماعی و سیاسی هستند. در اتاق شیشه‌ای، اصطکاک این فرهنگ متعالی با فرهنگ توده‌ای از یک سو و فرهنگ فاخر با فرهنگ پست از سوی دیگر، جامعه بشری را با نوع سهمگینی از تلاطم‌های جدید و تعارض‌های مدرن‌تر روبرو خواهد ساخت. در این مبارزه مدرن، آنچه اهمیت دارد و موجب پیروزی می‌شود، نه قدرت نظامی یا حتی اقتصادی که مهم‌تر از همه آن‌ها، هویت سازنده و قدرت زاینده در تولید پیام برای جامعه بزرگ مخاطبان خواهد بود.

امروز تغییر در هندسه جهانی قدرت در سایه دگرگونی بزرگتری در حال پدیدار شدن است که موجب غفلت بسیاری از قدرتمندانی است که بر اریکه ملت - دولت‌ها حکومت می‌کنند. آینده به زودی فرا می‌رسد و این آینده، «فضای مجازی» را به «واقعیت موازی» با زندگی واقعی و بخشی از زندگی که واقعیت می‌شماریم، نزدیک می‌کند. در این فضا است که «قدرت فردی شده فرا فردی» در جغرافیای واقعیت موازی و در ملت - رسانه‌های جهانی زیست‌جمعی خود را بازسازی خواهند کرد (Motaharnia M & Salehi, E:2017).

یافته‌ها

در این پژوهش نشان دادیم که:

کوئید ۱۹، یک نقطه عزیمت زمانی است که به زمانه زیست ما برش می‌دهد؛ مانند دوران طاعون‌زدگی یا جنگی بزرگ، مانند جنگ صلیبی یا فروریزشی مانند سقوط قسطنطنیه شرقی، اثرگذار و برش دهنده زمانه زندگی بشر است.

کوئید ۱۹، پیش و بیش از هرچیز بر جهان زیست ما اثر می‌گذارد. اثر آن در باند پریهنای کنش‌های ارتباطی از طریق وزن اصلی اثر، بر دو بعد «جسمی - سلامت» آدمی و «ذهنی - زیستی» وی، زیست‌جهان آدمی را در وجوه گوناگون بویژه وجوه آمده در این مجال هدف قرار داده و در طبیعت و جامعه حیات او تسری پیدا می‌کند.

این اثرگذاری در عرصه کنش ارتباطی در دو وجه «تشدید - تولیدی» است. بررسی سیگنال‌های موجود در هر بخش، نشان از وجود نشانگان قوی در تشدید و بازتولید اثرات آن را به نمایش می‌گذارد.

بررسی اثرات این موضوع در بخش‌های :

زیست‌جهان‌اندیشه

زیست‌جهان‌فناوری

زیست‌جهان‌هویت

زیست‌جهان‌ارتباط و ارتباطات

به عینه هویدا است. به گونه‌ای که اصلِ اثر در پیش روی دیدگان با سیگنال‌های متوسط و قوی، خود را به نمایش می‌گذارد. بازسازی و بازپروری اندیشه، افزایش عمق اثر استراتژیک فناوری‌های ارتباطی در گستره جهانی، اثرپذیری هویتی آدمی از این فرآیند، تغییر و تحول فکری ناشی از بروز خطری جهان‌شمول^۱، گرایش به فردیت به همراه اجبار سلامت و بستر مناسب ارتباط از راه دور، زمینه‌ساز اثرپذیری فزاینده (روبه رشد، پیشرفت و توسعه)، ارتباط در جهان واقعیت‌های موازی و قبول فضای مجازی به عنوان یک واقعیت جهان‌شمول (پاندمیک) شده است. ارتباط به عنوان روح جهان واقعیت در دوران پساکرونا در این فضا مشروعیت جهانی بیشتری می‌پذیرد.

اثرات ناشی از مشروعیت به دست آمده، (در دو حوزه سلامت و ارتباطات) اوج می‌پذیرد و اثرات زیست‌سنجی و رسانه‌سنجی^۲ قدرتمند از خود به جا خواهد گذاشت.

در گستره نگاه به کرونا نشان دادیم که با تغییر در زیست‌جهان‌اندیشه، فناوری و هویت، عرصه ارتباط و ارتباطات با شدت تغییر و تولید دگرگونی‌های وسیع روبرو خواهد شد. در این میان، با توجه به دو دیدگاه حفره تعادل و عذاب الهی، با توجه به دو جهت

≠ بیومتریک

≠ بیومدیا

می‌توانیم بگوییم، علی‌رغم نگرانی‌ها در تشدید تمامیت‌خواهی در عرصه سیاست و روابط فرادستی و فرودستی، با مرگ فاصله‌ها و شکستن نقاب‌ها، دوران پساکرونا دوره ورود به حفره تعادل خواهد بود.

این گونه می‌نماید که جهان وارد حفره تعادل جدیدی شده است. هر دلیل موجه‌ای بر آن بگذاری، کار ویژه‌اش ایجاد تعادلی جدید خواهد بود. در این گذار تاریخی به مانند برون آمدن پروانه از پیله، درد زایمان بزرگی در تاریخ را شاهد هستیم. زایمانی بسی دردآورتر از زایمان‌های گذشته تاریخ که برای عبور از یک زمانه به زمانه دیگر، در پرتو تغییر در زیست‌جهان‌ها و عرصه ارتباط و ارتباطات را در پیش دارد.

1. Pandemic
2. Bio Media

این دگرگونه‌سازی‌ها و پوییش اثر کرونا در مسیر جهان زیست‌ها و عرصه ارتباط و ارتباطات نشان می‌دهد که کوئید ۱۹، زمینه‌پرور دوره‌ای از حیات بشر است که در آن «در زمان زیستن و در زمانه زندگی کردن» با عبور از سه گانه‌های آبگونه حاصل خواهد آمد. کرونا هم شدت‌بخش و هم تولیدکننده و جوهی از این گذار به دوران پساکرونا است.

در این مقاله نشان دادیم که ما در آبشار بزرگ دگرگونی قرار داریم. قدرت گرفتن «ارباب لحظه‌ها» در برابر «ارباب حلقه‌ها» را تجربه خواهیم کرد. در آغاز دهه گذشته به «رویاریوی دانایی ملت‌ها در برابر قدرت دولت‌ها» پرداخته شده و در مقاله‌ای تحت عنوان «هویت‌های تک‌سرنشین دانش‌بنیاد»، ابعادی از آن را باز شکافت (مطهرنیا ۱۳۹۲). اکنون کرونا تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده ورود مؤثر به این دوران را با خود به همراه دارد.

این دگرگونی‌ها نه تنها می‌تواند به چشمگیرترین تغییرات در نظم بین‌المللی بیانجامد که می‌تواند به دگرگونی‌های بزرگی در تمامی وجوه حیات آدمی منجر شود. بحران کرونا شدت‌بخش جریان این دگرگونی است. پرتاب‌کننده مسیر زمانه به آبشار بزرگ تغییر و رفتن از یک سطح زمانه به سطحی دیگر است. نظم، نظام و انتظامی دیگر در راه است. این تغییر، مُسری است. مقاومت‌ستیز است. از گوشه گوشه زندگی ما گرفته تا وجوه گوناگون حیات ما را در خواهد نوردید. از تغییری بزرگ در نظم بین‌الملل گرفته تا نظم زندگی فردی را نوسازی خواهد کرد.

انبوهی دگرگونگی‌ها، نهادهای مقاوم را در خواهند نوردید. جهان آینده، تجسم‌بخش حرکت دائمی در لایه‌های زیرین حیات خواهد بود. دگرگونی آرام، ثابت و مداوم در لایه‌های زیرین، به موج‌های بلند تغییر، تبدیل و سطوح زیرین را خواهند شکافت. آدمی به سطحی از زمانه وارد خواهد شد که سه گانه‌های مکان، حرکت و آدمیان را دگرگونه و اربابان حلقه‌ها را مقهور اربابان لحظه‌ها خواهد کرد. آنانی که در برابر این فروریزش عظیم بایستند. در اسارت اندیشه‌های کهن قرار گیرند، باز هم سقوطی سخت‌تر از زمانه‌های پیشین خواهند داشت. کرونا، رمز این نوزایش و ورود به آستانه این تغییرات است. آدمی به درون این آبشار بزرگ درغلطیده است. پارادایم‌های دوران جدید در سایه فرایارادایم «زندگی در لحظه‌های دگرگون‌ساز و رفتارهای تغییرپذیر و کنش‌های چریکی» تبیین خواهد شد. همین معنا «آینده‌اندیشی را نه به عنوان یک نیاز که به عنوان یک ضرورت» بیشتر بر خواهد ساخت.

انباشت دانایی بشر و درهم تنیدگی آدم خلاق با خلاقیت‌آفرینی مخلوق بر ساخته‌اش، تحت نام «هوش مصنوعی»، زمینه‌پرور ورود آدمی به دوره «انبساط زمانه حیات» و «انقباض قدرت»

۱. در نقد فیلم the time این موضوع را قبل از آغاز دوران پاندومی بیان نموده بودم.

<http://nrisc.ac.ir/fa/blog/%D9%86%D8%B4%D8%B3%D8%AA-%D8%AA%D8%AE%D8%B5%D8%B5%D8%8C-%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85-time-%D8%A8%D8%B1%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF>

2. Confrontation between the wisdom of nations and the power of governments

در حوزه فردی خواهد شد. دولت - شهرها که نه، دولت - جماعت‌ها و بلکه دولت - فردها ظهور پیدا خواهند کرد.

این تکثر در آغاز وحشت‌برانگیز است، اما با تغییر فرآوردیم «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» به «کثرت در وحدت و وحدت در کثرت»، استقرار دموکراسی دانایی سالارانه با ورود به دوره پسامدرن، گریزناپذیر خواهد بود. زندگی در فلک آبگینه و حیات شفاف در همه وجوه، موجب پذیرش عملی آزادی همگانی و رعایت حقوق بشر خواهد شد. در دوران گذار، بازگشت‌هایی به گذشته و روایت‌های کهن و آیین‌های کلاسیک دیده خواهد شد. اما در نهایت و دادن هزینه، با پروای دستیابی بشر به فناوری‌های مدرن‌تر، به شکافت زمان و ورود به «دوران طلایی روح مصنوعی» خواهد انجامید. کرونا، زایشگر نیاز ناگزیر به بازبینی زیست جهان‌های موجود برای ورود به جهان پیش رو است. دولت‌ها، اجتماع‌های، و زیستگاه‌های قدیم بازتعریف خواهند شد. سبک زندگی دگرگونه خواهد شد. هویت‌ها، بازآفرینی معنایی و مفهومی خواهند پذیرفت. کرونا تلنگری فراموش نشدنی برای آغاز این تکانه‌های بزرگ خواهد بود. بازتعریف درست، صادقانه مستدل و موجه زیست‌جهان‌های آدمی برای ورود به این دوره، می‌تواند ضرورتی گریزناپذیر برای ورود به عصر طلایی زندگی در لایه‌های گوناگون بوم-شناسی؛^۱ یعنی محیط زیست^۲ و زیست‌بوم^۳ بشر آینده دانسته شود. دگرگونه‌سازی‌های موجود در زیست‌جهان‌های مختلف در سایه این تحولات، کنش‌های استراتژیک را به سمت کنش ارتباطی سوق خواهند داد.^۴

نتیجه‌گیری

بررسی تغییرات در زیست‌جهان‌های آینده در دوران پسا کرونا، وجود دگرگونی را به عنوان امر جوهری تشدید کننده دگرگونی‌های گذشته و بازتولید کننده دگرگونی‌های احتمالی آینده در مقام امری ثبوتی به نمایش گذاشت. در این دیدگاه، کرونا به مثابه نقطه عزیمتی تاریخی در تشدید دگرگونی‌های پرسرعت گذشته و آفرینش‌گر دگرسازی‌های نوین، وجود شتاب و تبدیل آن به فراشتاب‌های تغییر یا دگرگونی به عنوان امری هستومند و ذاتی در این گذار را نمایان ساخت. کرونا به عنوان پیشران قوی در تشدید تغییرات و آفرینش دگرگونی‌ها زمانه قبل از

1. Bionomics

"Bionomics" از مطالعه جامع یک ارگانیسم و ارتباط آن با محیط آن گرفته شده است. اصطلاح اکولوژی را می‌توان یک زیر مجموعه در نظر گرفت. (<https://en.wikiversity.org/wiki/Bionomics>) بر آنم که به جای اکولوژی در مجموعه نیروهای پیشران با توجه به اهمیت دو E محیط زیست و زیست بوم به بوم‌شناسی با B بزرگ اشاره کنم

2. Ecology

3. Ecosystem

۴. کنش ارتباطی درمقابل کنش استراتژیک قرار می‌گیرد که بر اساس آن کنشگر نه در صدد رسیدن به منافع یکجانبه (کنش استراتژیک) که در جستجوی رسیدن به تفاهم است.

خود و بعد از خویش را از هم جدا خواهد ساخت. از همین رو، تغییرات در زیست جهان بشر در پاندمی ۲۰۱۹، به اندازه‌ای خواهد بود که می‌توان تاریخ حیات آدمی را به دوران پیش از کرونا و بعد از آن تقسیم نمود.

در دوران پساکرونا، جهان آینده میل شدیدی به فردی شدن، فراخ‌سازی قدرت فردی، تکیه بر هویت‌های تک‌سرنشین دانش‌بنیاد، تلاش برای دستیابی به تعادل در همه لایه‌های زندگی، شکافت زمان و تلاش برای ورود به دوره روح مصنوعی را شاهد و شدت اثر آن‌ها را مشاهده خواهد کرد. شتاب تغییرات، با ورود آدمی به آبشار تغییرات بزرگ، تغییر در نظام زیست‌جهان-های گوناگون اندیشگی بشر در لایه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی و ... را به همراه خواهد داشت.

نتیجه آن که با بحران ناشی از شیوع کرونا به عنوان یک پاندمی، فروافتادن آدمیان به «آبشار تغییرات» سرعت خواهد یافت. در دنیای پساکرونا، بشر از زندان جهان ساخته دیگران برون خواهد آمد و جهانی آدمی‌تر شده را جستجو خواهد کرد. در منزلت پیشاروی، زندگی در «لحظه‌های دگرگون‌ساز و رفتارهای تغییرپذیر و کنش‌های چریکی» و در دنیای میکروماکروئیزه شکل و محتوایی نوین خواهد پذیرفت. «ارباب لحظه‌ها» جای «ارباب حلقه-ها» را خواهد گرفت.

کوئید ۱۹ امری تشدیدکننده و تولیدکننده و در همان حال تسهیل‌کننده و تسریع‌بخش دگرگونی‌های آینده زمان است. این پاندمی حامل اثر برش‌گر زمانی و برسازنده زمانه دیگر است. زمانه‌ای که می‌توان نام آن را دوران پساکرونا گذاشت. دوره‌ای که اثرات بسیار زیادی بر تمام زیست‌جهان‌های بشری دارد و در درازمدت می‌تواند به عنوان نقطه عطفی تاریخی بر آینده‌ها اثر قابل پیمایش، پایش، پویش و پردازش به جا گذارد.

کتابنامه

- اندی بنت، (۱۳۸۶)، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان، چ اول، تهران: شرکت انتشارات اختران کتاب.
- سیاوشی لیلا (۱۳۹۵). طرح علم زیست‌جهان در اندیشه متأخر هوسرل، پژوهش‌های فلسفی، ۱۰(۱۸): ۳۷-۶۱.
- شفیعی، محمود (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی (جهان زیست و سیستم) و نقد اجتماعی - سیاسی. دو فصلنامه دانش سیاسی. ۲(۲): ۱۴۹-۱۶۶.
- کوپر رامو، جاشوا، (۱۳۹۲)، عصر پدیده‌های تصورناپذیر، ترجمه ایرج پاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مطهرنیا، مهدی، (۱۳۹۲)، هویت‌های تک‌سرنشین دانش‌بنیاد، کلید سیاست، شماره ۳۸
- مطهرنیا، مهدی، (۱۳۹۶)، آینده قدرت، انتشارات دانش پرور.

مطهرنیا، مهدی، (۱۳۹۹)، تغییر و پارادایم، انتشارات فارابی.
ملکی فرد، عقیل، (۱۳۹۳)، الفبای آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی: علم و هنر کشف و اختراع آینده، انتشارات آینده پژوه.
هاو لثو، وین، آلن، (۱۳۷۸)، پیش‌گویی آینده، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی
یاسپرس، کارل، (۱۳۶۳)، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه حسن لطفی، انتشارات خوارزمی.

References

- Aaskar Dirbaz, Mojtaba Tasdighi Shahrezaie, Form of Life: A Foundational Concept for Wittgenstein's Later Philosophy, Journal of Philosophical Theological Research, Vol. 21, No. 4, winter 2020, Issue 82.
- Andy Bennett, (2007), Culture and Everyday Life, translated by Leila Javafshani, Hassan Chavoshian, Ch. 1, Tehran: Akhtaran Ketab Publishing Company. (In Persian)
- Angela Krewani, (2014), McLuhan's Global Village Today Transatlantic Perspectives, Taylor and Francis.
- Barker, C, (2004), The SAGE Dictionary of Cultural Studies, London, SAGE publication .
- Brett Mensh, Konrad Kording, Ten simple rules for structuring papers, PLOS Computational Biology, <https://doi.org/10.1371/journal.pcbi.1005619> September 28, 2017
- Cooper Ramo, Joshua, (2013), The Age of Unimaginable Phenomena, translated by Iraj Pod, Tehran: Anteshar Co. (In Persian)
- Habermas, Jürgen 1988, „Handlungen, Sprechakte, sprachlich vermittelte Interaktion und Lebenswelt“, in: ders. Nachmetaphysisches Denken, Frankfurt am Main: Suhrkamp, pp 85-86
- Howe Leo, Wayne, Allen, (1999), Future Prophecy, translated by Nasser Movafghian, Ney Publishing(In Persian)
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
<https://fars.iqna.ir/fa/news/3883588/>
<https://plato.stanford.edu/entries/psychiatry/>
<https://snn.ir/fa/news/839489/>
<https://www.britannica.com/topic/life-world>
<https://www.raspberrypi.org/blog/outernet/>
- Jaspers, Carl, (1984), The beginning and end of history, translated by Hassan Lotfi, Kharazmi Publications.
- Malekifard, Aqeel, (2014), The Alphabet of Future Research: Future Research: The Science and Art of Future Discovery and Invention, Ayandeh PajooH Publications. (In Persian)
- Michael Bercher, Crisis in World Politics: Theory & Reality, Ax ford& New York, Program oppress, 1993, 676 pp
- Motaharnia M & Salehi, E. (2017). Glassy cabin and eight art of life in parallel reality. Revista QUID (Special Issue), 2082-2094

- Motaharnia, Mehdi, (2020), Change and Paradigm, Farabi Publications.(In Persian)
- Motaharnia, Mehdi, (2013), Duplicate Identities of Knowledge Foundation, Key to Politics, No. 38(In Persian)
- Motaharnia, Mehdi, (2017), The Future of Power, Daneshparvar Publications. (In Persian)
- Philosophy of Psychiatry, Stanford Encyclopedia of Philosophy
- Raul Sanchez-Reillo, Ines Ortega-Fernandez, Wendy Ponce-Hernandez, Helga C. Quiros-Sandoval, How to implement EU data protection regulation for R&D in biometrics, Carlos III University of Madrid, University Group for Identification Technologies (GUTI), Av. Universidad, 30, Leganes, Madrid 28911, Spain
- Shafiee, Mahmoud (2005) Theory of Communication Action (World and Bios) and Socio-Political Criticism. Two Quarterly Journal of Political Science. Second issue - autumn and winter 2005., pp. 149 - 166. (In Persian)
- Siyavoshi, Leyla, (2016). The Bioscience Project in Husserl's Late Thought, Philosophical Research, Volume 10, Spring and Summer 2016, Vol. 18, Phenomenology Special Issue, pp. 37-61. (In Persian)
- Thomas L. Friedman, (2005), The World is Flat (A Brief History of the Twenty-First Century), Farrar, Straus and Giroux .

